

عقلانیت «نادری» در برابر فتنه صهیونی



مسعود سپهر
جامعه‌شناسی سیاسی

وقتی شاه اسماعیل صفوی پس از ویرانی ایران و تکه پاره شدن آن طی حمله مغولان بار دیگر موفق شد وحدت و هویت ایرانی را بازسازی کند، باتوجه به سیطره سلاطین عثمانی بر محدوده خلافت عباسی در غرب ایران و ادعای جانشینی پیامبر توسط آنان، مذهب شیعه را یکی از ستون‌های تشکیل دولت ایرانی و استقلال خود قرار داد. به یاد داشته باشیم که خلافت عباسی توسط هلاکوخان مغول برچیده شد اما در دوران عباسیان حتی حاکمان قدرتمندی مانند غزنویان و سلجوقیان، منشور حکومت از خلیفه عباسی می‌ستاندند و خطبه به‌نام او می‌خواندند و در این خصوص حتی شاهان شیعه مانند بوییان و زیاریان نیز چنین می‌کردند.

عثمانیان با ادعای جانشینی عباسیان و البته قدرت نظامی و قلمرو وسیع حکومتی شامل آسیای صغیر، بین‌النهرین، شامات، حجاز و مصر طبعاً بر همه قلمرو اسلامی شامل ایران در همسایگی خود نیز خواهان سلطه و حاکمیت بودند. جنگ‌های بی‌شمار بین صفویان و عثمانیان شاهد این مدعاست و چون هر جنگی نیازمند توجیه ایدئولوژیک است، از هر دو سو دمیدن بر آتش اختلافات فرقه‌ای، تکفیر، تفسیق و لعن و توهین به دیگری تا حد مهدورالدم شمردن او سکه رایج شد. کشتارهای بی‌شمار فرقه‌ای از هر دو طرف در این دوره داغ‌نگی بر چهره تاریخ اسلامی است. اما ظاهرأ هر دو سوی ماجرا کم‌کم فهمیدند که خطر بزرگ‌تر از جانب استعمار غرب است، بنابراین پس از ظهور نادر و بیرون راندن اشرف افغان که طمع سیطره کامل خلافت عثمانی را زنده کرده بود، با بازگرداندن یکپارچگی ایران در پی شکست‌های نظامی عثمانیان از نادر، با هوشمندی او در پیمان صلح فی‌مابین مسئله اختلاف شیعه و سنی به تفاوت‌های طبیعی اختلاف‌نظر بین فقها در فروع دین تقلیل یافت و با طرح مذاهب چهارگانه اهل سنت به‌عنوان نظریه چهار امام موسس فقه سنی و قراردادن امام جعفر صادق علیه‌السلام به‌عنوان موسس فقه شیعی و مذهب جعفری و رسمیت یافتن این پنج شاخه زمینه وحدت و همکاری مسلمانان جهان و رفع تنش‌های فرقه‌ای فراهم شد. اما این تدبیر در دوره‌های بعد هم نتوانست چشم طمع استعمارگران را کور کند و منشی «ترقه‌بینداز» امروز حکومت کن‌ «آنان همچنان ادامه یافت. امروز توسعه‌طلبی جنایتکارانه صهیونیسم نیز به این شکاف در ملل اسلامی چشم امید دارد، اما در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از شروع جنگ غزه شرایطی پیش آمده است که موجب ناامیدی هر چه بیشتر صهیونیست‌ها شده است.

فلسطینیان ساکن غزه و حماس عمدتاً مسلمانان سنی‌مذهب هستند ولی امروز تنها شیعیان هستند که برای حمایت از آنان خون داده و می‌دهند. شیعیان لبنانی، یمنی، عراقی، سوری و ایرانی تنها مسلمانانی هستند که فریاد کمک‌خواهی مظلومان غزه را با نثار جان و مال و با حضور عملی در صحنه نبرد لبیک گفتند. متأسفانه جز همدردی در کلام و گاهی اقدامات سیاسی از سوی سایر دولت‌های اسلامی گامی برداشته نمی‌شود. اما همه آنها از جانب مسلمانان جهان و وجدان خود برای خروج از این ذلت تحت فشارند. عریان‌شدن چهره بی‌رحم، غیرانسانی، ویرانگر و جنایتکار اسرائیل، بستری را فراهم کرده است که وحدت اسلامی حول شعار توحید، رسالت محمد و یگانگی کتاب و قبله بیش از هر زمان دیگر میسر شود. هیچ‌کس در قدرت سازمان‌های جاسوسی و نفوذ اسرائیل تردید ندارد و همه می‌دانند اسرائیل هیچ خطری را بالاتر از وحدت یک میلیارد مسلمان در برابر خود نمی‌داند. با این مقدمات کدام عقل سلیمی می‌تواند در وقایعی چون توهین به صحابه در صداوسیما یا منابر یا تلویزیون‌های لندن، دستی غیر از نفوذ صهیونیستی را ببیند و کدام مسلمانی است که ایمان داشته باشد، اما به‌پناه اختلافات فرقه‌ای از اعتصاب به حبل‌الله دوری کند! اکنون نیازمند آنیم که مراجع و مفتیان همه کشورها در کنار رؤسای دولت‌های خود همان عقلانیت نادری را زنده کنند و پیمان برادری همه مسلمانان جهان را اعلام و استحکام بخشند. شاید شهدای غزه و آمیختگی خون سنی و شیعه در دفاع از مظلوم، وحدت اسلامی و پایان جدال‌های فرقه‌ای را هم ثمر دهد.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



آخرین ناجی؟

مجتبی جباری هفتمین سرمربی استقلال بحران‌زده در فصل جاری است

گروه ورزش هم‌میهن: ا عراق نیست اگر بگوییم بدترین سال استقلال را در

تاریخ لیگ برتر شاهد هستیم. تیمی که فقط با شش پیروزی در لیگ برتر این فصل، هفت سرمربی طی ۲۷ هفته به خود دیده است. با وجود خرج قابل توجه مالک باشگاه استقلال که تصور می‌شد روند باشگاه با تغییرات بسیار مثبتی همراه شود این تیم را تا سه هفته پایانی حداقل روی کاغذ یکی از گزینه‌های سقوط به لیگ آزادگان معرفی کرده است. با این حال استقلال در بدترین روزهای خود در اندیشه موفقیت و کسب عنوان قهرمانی در جام حذفی است و چه‌بسا با گرفتن یک جام و صعود به لیگ قهرمانان آسیا بتوانند نتایج وحشتناک این فصل را کمی تسکین دهند. در این گزارش فرارو فوروارد تیمی را در گفت‌وگو با حسن روشن مورد بررسی قرار خواهیم داد که هوادارانش عادت ندارند تیم‌شان در قعر جدول برای بقا بجنگد.

▼ نکونام، خیر یا شر؟

فصل گذشته استقلال تا پایان هفته بیست‌وهشتم یعنی دو هفته مانده به پایان لیگ برتر، صدرنشین بلامنازع این رقابت‌ها بود و کمتر کسی تصور می‌کرد پرسپولیس بتواند به این تیم برسد اما مصاحبه‌های جنجالی و غیرضروری جواد نکونام، همچنین مهدی‌هاشمی‌نسب علیه‌مدیریت باشگاه استقلال، همچنین رقبای خود، تمرکز این تیم را گرفت تا پرسپولیس چراغ خاموش به صدر برسد و در نهایت قهرمانی را به‌دست بیاورد. نکونام اما برای فصل بعد تغییر رویکرد داد و با جذب بازیکنانی که حالا مشخص شده کارایی فنی بسیار پایینی داشتند، مسیر این تیم را تغییر داد. نکونام بعد از دو ماه از هدایت استقلال برکنار شد اما به‌گفته کارشناسان، ویرانه‌ای که او تحویل داده به این راحتی‌ها قابل بازسازی توسط هیچ مربی‌ای نیست. قبل از اینکه نکونام به استقلال بیاید همین اتفاقات در فولاد خوزستان نیز رخ داد. در فصل اول مربیگری‌اش، نتایج قابل قبول بود اما در فصل دوم، فولاد با هدایت نکونام فقط ۳۴ درصد پیروزی کسب کرد و کنار رفت. فولاد فصل پیش تبعات فنی آنچه نکونام باقی گذاشته بود را پشت‌سر می‌گذاشت و هفته پایانی موفق شد در لیگ برتر بماند اما حالا در این فصل با مربیگری یحیی گل محمدی توانسته جزو چهار تیم برتر لیگ باشد. نکونام که این روزها شایعه مهاجرتش به کشور دُبی به گوش می‌رسد، تیمی را نگاه می‌کند که در هر صورت دست‌پخت خودش است.

▼ موسیما‌نه، کلاه بزرگی که سر استقلال رفت

پیتسو موسیما‌نه، سرمربی‌ای که هیچ‌کس متوجه نشد چطور سر از استقلال درآورد، سرانجام به بدترین شکل ممکن از جمع آبی‌پوشان جدا شد و دست مسئولان این تیم را در پوست گردو گذاشت. اگر نهادهای نظارتی توجه بیشتری به رفت‌وآمد مربیان در استقلال یا هر تیم دیگری می‌کردند، طبعاً به مسائل عجیبی می‌رسیدند. اینکه به یک‌باره مدیران باشگاه استقلال براساس چه تحلیلی یک مربی آفریقایی را انتخاب می‌کنند و طلب او را نمی‌دهند تا او بتواند با یک شکایت قانونی بیش از یک میلیون دلار از باشگاه استقلال طلب کند، موضوعی نیست که بتوان به این راحتی‌ها از آن عبور کرد. موسیما‌نه همراه با استقلال ۱۴ بازی رسمی روی نیمکت نشست و تعداد باخت‌های او بیشتر از بردهایش بود. پیتسو حدود ۳۰ درصد، یعنی چهار بازی را با شکست پشت‌سر گذاشت و یک آمار عجیب برای استقلال - یکی از غول‌های فوتبال ایران - ثبت کرد. او که به مساویما‌نه هم معروف شده بود، هفت تساوی را هم به دست آورد. در این میان فقط سباز استقلال‌ای‌ها با این مربی آفریقایی جنوبی طعم برد را چشیدند. او در نهایت بعد از فسخ یکطرفه با استقلال با انجام یک مصاحبه طوفانی اعلام کرد که باشگاه استقلال به اعتبار مربیگری او لطمه زد و از اول هم نباید به تیمی چون استقلال می‌رفت!

▼ بختیاری‌زاده چرا رفت؟

شاید یکی از قربانیان سوءمدیریت در استقلال کسی نباشد جز سهراب

بختیاری‌زاده که دو بار در مقاطع کوتاه هدایت استقلال را پذیرفت اما به بدترین شکل با او رفتار شد. در مقطع اول بعد از برکناری نکونام، او نفر اول نیمکت آبی‌ها شد. بختیاری‌زاده، پس از دیدار استقلال و السد قطر، جای جواد نکونام را گرفت تا به‌عنوان سرمربی موقت، استقلال را تا زمان انتخاب سرمربی جدید این تیم هدایت کند. درست است که سهراب کارش را با برد مقابل هوادار شروع کرد اما به ذوب‌آهن و النصر باخت تا هواداران استقلال خاطرات خوبی از دوران حضور او به‌عنوان نفر اول کادر فنی نداشته باشند. نکته قابل توجه این سه بازی اینکه، بختیاری‌زاده در تمام آنها و در نیمه دوم که به نیمه مربیان معروف است، بازنده بود. او در مقابل هوادار با نتیجه یک بر صفر، در مقابل ذوب‌آهن با نتیجه سه بر صفر و در مقابل النصر عربستان با نتیجه یک بر صفر شکست خورد و در هیچ کدام از این نیمه دوم این سه مسابقه، خبری از گلزنی تیم او نبود. موسیما‌نه آمد و بختیاری‌زاده دوباره نفر دوم شد و بعد از جدایی این مرد آفریقایی بار دیگر بختیاری‌زاده به‌عنوان سرمربی موقت، هدایت استقلال را پذیرفت. با بازگشت سهراب به نیمکت، استقلال در اولین گام موفق شد استقلال خوزستان را با دو گل شکست دهد. پس از آن، او در نشست خبری اعلام کرد که تنها تا بازی مقابل مس رفسنجان روی نیمکت خواهد نشست و باشگاه باید هر چه سریع‌تر سرمربی جدید خارجی را انتخاب کند. دیدار با مس رفسنجان با تساوی بدون گل به پایان رسید، اما واکنش برخی هواداران به این نتیجه برای سهراب خوشایند نبود. او که وعده داده بود بعد از این بازی کنار می‌رود، در کنفرانس مطبوعاتی بعد از مسابقه، با دلخوری از تیم جدا شد. اما به‌دلیل ادامه مذاکرات استقلال با گزینه‌های مختلف و در پیش بودن دوبازی حساس مقابل شمس آذر و الزیران، مدیران باشگاه از بختیاری‌زاده درخواست کردند که بار دیگر هدایت تیم را موقتاً برعهده بگیرد. او موفق شد استقلال را در دو مسابقه خارج از خانه به پیروزی برساند و تیم را در جام حذفی و لیگ نتخبگان آسیا به مراحل بعدی برساند. اما در نهایت به‌دلیل اعتراض هواداران از هدایت استقلال کنار رفت.

▼ بوژوویج، شکست‌خورده مطلق

مرد کروات که از استقلال خوزستان با داستان‌های عجیب به استقلال تهران آمد طی ۹ مسابقه، پنج تساوی و چهار شکست را تجربه کرد تا بدون کسب حتی یک برد، بدترین مربی تاریخ باشگاه لقب بگیرد. او که قرار بود تا پایان فصل مبلغ ۲۰۰ هزار یورو دریافت کند، بعد از ۹ مسابقه و دریافت تقریباً ۱۸۰ هزار یورو اخراج شد. مجتبی جباری، دستیار او، حالا سرمربی استقلال شده است. مردی که سال‌ها سعی کرده بود به سمت فرهنگ روی بیاورد و با افتتاح یک «خانه کتاب» رویکرد متفاوتی را از خودش نشان داده بود، به فوتبال بازگشت تا شاید این سه هفته پایانی برای آنها با پایانی خودش همراه باشد.

▼ حسن روشن از بحران استقلال می‌گوید



اگر کسی از بیرون به باشگاه استقلال نگاه کند شاید تصور کند اصلاً مدیر در این باشگاه حضور ندارد و بسیاری از تصمیمات به‌شکل غیر قابل باوری برای تخریب این باشگاه اتخاذ می‌شود. **حسن روشن، پیشکسوت این باشگاه**، در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است، انتخاب بوژوویج از ابتدا هم اشتباه بود و به‌جای صرف این هزینه زیاد، مدیران باشگاه باید کار را با یک مربی ایرانی ادامه می‌دادند و برای فصل یک مربی کارآمد خارجی را استخدام می‌کردند تا کار را به درستی پیش ببرد. حسن روشن می‌گوید، بوژوویج از بدترین مربی ایرانی هم دانش‌اش کمتر بود و مدیران استقلال نباید وارد چنین بازی اشتباهی با انتخاب‌های اشتباه می‌شدند. گفتنی است برای ریشه‌یابی بحران استقلال سعی کردیم با مدیران و اعضای هیئت‌مدیره باشگاه صحبت کنیم که هیچ کدام حاضر به پاسخگویی در این زمینه نشدند. مدیرانی که در روزهای برد حضور دارند و در روزهای شکست، غیب‌شان می‌زند.

چهره

حضور سیدعباس صالحی در تشییع پاپ

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم تشییع پاپ فرانسیس شرکت خواهد کرد. صالحی به نمایندگی از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری کشور در این مراسم حضور می‌یابد. او عازم رم شد تا در کنار دیگر رهبران و مقام‌های سیاسی کشورها در مراسم تشییع پاپ شرکت کند. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ پس از سکنه مغزی و در سن ۸۸ سالگی درگذشت. موضع‌گیری‌ها و اقدامات پاپ فرانسیس در ۱۲ سال دوره مسئولیت‌اش بر کلیسای کاتولیک، از او چهره‌ای محبوب ساخته بود. بسیاری از فعالان و چهره‌های سیاسی و فرهنگی از رئیس‌جمهور خواسته بودند که در مراسم تشییع پاپ شرکت کند و چهره فرهنگی ایران و پیام صلح و دوستی ایرانیان را به دیگر ملت‌ها نشان دهد. سیدعباس صالحی در هفته اخیر بسیار موردتوجه بوده است. چند روز پیش نیز با دستورها و پیگیری‌های او، جشنواره موسیقی کوچه در بوشهر که در پی انتقادهای شدید برخی افرادی تندرو لغوشده بود، برگزار شد.



کتابخانه

سه زن از سه نسل

رمان «مرگ منهای یک» نوشته پاییز افسری در ۲۰ فصل و ۱۳۷ صفحه، به قیمت ۲۰۵ هزار تومان توسط نشر آپان منتشر شد. «مرگ منهای یک» کتابی درباره سه نسل از زنان با زندگی و سرنوشت کاملاً متفاوت است که دست تقدیر آن‌ها را در جایی به هم گره می‌زند. سه زن به نام‌های رها، خلیج و آذر، سه زن با سرگذشتی کاملاً متفاوت؛ یکی زنی است روزنامه‌نگار، دیگری زنی است با حکم حبس ابد و سومی زنی که به جرم قتل زندان است. این داستان درباره از دست دادن، تنهایی و مواجهه



مرگ منهای یک

نویسنده:

پاییز افسری

انتشارات: آپان

با چالش‌های زندگی در اجتماعی است که برای هیچ کدام از این زنان یکسان نبوده است. خلیج، زنی برخاسته از جنوب کشور با لهجه و زندگی خاص خود، گرمای جنوب را برای مخاطب با خود به همراه می‌آورد. زنی که دریا و روزگار سخت، تمام افراد خانواده‌اش را گرفته و حالا برای گذراندن حبس ابد با دختری مواجه می‌شود که به جرم قتل فرزندانش، زندان است. حالا او باید انتخاب کند چگونه روایت داستان را پیش ببرد.

تاریخ

گشایش نخستین فرستنده رادیویی ایران



تلگراف بی‌سیم ۱۰۰ سال است که به ایران رسیده است؛ سال ۱۳۰۴. پیش از آن اما ارتباطات تلگرافی به ایران رسیده بود. سال ۱۲۷۱ و میان مدرسه دارالفنون و کاخ گلستان

این ارتباط برقرار شده بود و مدت‌ها هم کارکرد رسانه‌ای داشت. بااین‌حال نخستین فرستنده رادیویی در اواخر سال ۱۳۰۳ - در باغ موزه قصر مستقر شد. این فرستنده در ابتدا کاربرد نظامی داشت و وزارت جنگ متولی آن بود. طی دو سال بعد از آن، فرستنده بی‌سیم از کارخانه آلمانی تلفون‌کن به ایران وارد شدند. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۴ با نصب نخستین دکل‌های موج بلند پخش امواج رادیویی عملاً سنگ‌بنای راه اندازی رادیو در کشور گذاشته شد. در فروردین‌ماه ۱۳۰۵، نصب دستگاه فرستنده پایان یافت و سرانجام پس از آزمایش‌های مقدماتی، در ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵ با پخش تلگرافی دعوت‌نامه‌ای عمومی برای همکاری با کشورهای مختلف جهان، نخستین ایستگاه رادیویی و تلگراف بی‌سیم ایران با کاربرد عمومی خود را به‌طور رسمی شروع کرد.